
بررسی زمان بندی روایت در نمایش نامه «در مصر برف نمی بارد» نوشته محمد چرمشیر بر پایه نظریات ژرار ژنت

■ فاطمه احمدی [نویسنده مسوول]

■ امیر کاووس بالازاده

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۴/۲۵ | تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۰۶/۲۸

بررسی زمان‌بندی روایت در نمایش‌نامه «در مصر برف نمی‌بارد» نوشته محمد چرمشیر بر پایه نظریات ژرار ژنت

فاطمه احمدی | کارشناسی ادبیات نمایشی دانشکده هنر و معماری واحد تهران مرکزی

امیر کاووس بالازاده | مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

در این چند دهه اخیر بحث در باب روایت و روایت‌شناسی امری مهم برای پژوهش‌گران تلقی شده است و جویندگان متعددی در باب روایت و عناصر آن اظهار نظر کرده‌اند. یکی از همین افراد ژرار ژنت است که نظریاتی را در زمینه عنصر زمان در روایت به تفصیل بیان کرده است. به قول پل ریکور، زمان و فهم آن به گونه‌ای تجربیدی بسیار مشکل است، اما یکی از راه‌های عینی و ملموس شدن آن، که به فهم این عنصر کمک می‌کند، کنش نمایش‌نامه است. ژرار ژنت بر پایه همین کنش‌ها در زمینه ناهم‌خوانی میان زمان داستان و زمان متن، نظریات خود را مطرح کرده است و معتقد به سه نوع رابطه زمانی میان زمان داستان و زمان متن است: ۱- نظم و ترتیب ۲- تداوم ۳- بسامد. در نوشتار حاضر برآنیم تا با تکیه بر همین نظریه، نمایش‌نامه "در مصر برف نمی‌بارد" نوشته محمد چرمشیر را بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: روایت، زمان روایی، ژرار ژنت، بسامد، در مصر برف نمی‌بارد.